



عکس: بدیع... علیپور

حکایت همچنان باقیست

مهم‌تر از آن نحوه رو به رو شدن با مشکل و افزایش آمادگی و توانایی برای استفاده از فرصت‌هایی است که در آینده به وجود می‌آید. دست پیدا کردن به این آمادگی و توانایی باعث می‌شود هر فرد یا جمعی از روستا بتواند در برخورد با یک مشکل جدید برای آن به نحو مناسب چاره‌اندیشی کند و یا از فرصت‌های به وجود آمده جدید بهره ببرد.

برگزاری جلسه با مسئولین محیط‌زیست در روستا توسط خود مردم و دیدار نمایندگان مردم از اداره محیط‌زیست نشانه و گواه خوبی بر این موضوع است.

از ما سوال می‌شود حالا که کارتان در حال تمام شدن است نتیجه کار شما چه بود؟

به قول یکی از اهالی «دیدن چهره‌های مسئولین در روستا و گفت‌وگوی رو در رو با آنها فرصت خوبی بود که قبلاً در روستای ما سابقه نداشته است. این رفت و آمدها باعث شد چهره‌های جدیدی ببینیم و صحبت‌های جدیدی بشنویم که قبلاً از آنها بی‌اطلاع بودیم.»

در واقع نتیجه کار ما شکل‌گیری همین گفت‌وگوها و جلسات جمعی، پیدا شدن سرنخ‌ها و راه افتادن ماجراهایی درباره مسأله خسارت گاو بود تا هر کس بتواند گوشه‌ای از ماجرا را در جهت منافع خود، خانواده یا اهالی روستا پیگیری کند.

در این مدتی که در روستا حضور داشتیم چیزهای فراوانی از تک تک اهالی آموختیم. بحث‌ها و گفت‌وگوهای زیادی داشتیم. نشست و برخاست‌هایی کردیم. سر یک سفره نشستیم، درد دل کردیم و درد دل شنیدیم. بر روی یک موضوع مشترک که هم به کار و زندگی ما ربط داشت و هم به کار و زندگی مردم مربوط بود گفت‌وگو کردیم. با مردم در برنامه‌ریزی‌ها همراهی و همفکری کردیم تا از این طریق راه حل‌هایی که برای کاهش خسارت گاو در روستا وجود دارد را بهتر بشناسیم و درباره آنها با مردم صحبت کنیم. در خبرنامه پیش‌رو سعی کرده‌ایم بخشی از این راه‌حل‌ها را معرفی کنیم. برای همین با کسانی که تجاربی درباره این راه‌حل‌ها دارند مصاحبه کرده‌ایم تا همه بتوانند از اطلاعات و تجربه آنها استفاده کنند.

داستان کار ما در روستا در حال تمام شدن است اما حکایت خسارت گاو همچنان ادامه خواهد داشت. قبل از آمدن ما به روستا مشکل خسارت گاو وجود داشت بعد از رفتن ما نیز متوقف نخواهد شد. قبل از آمدن ما اهالی کارهایی برای کاهش یا جبران خسارت انجام می‌دادند بعد از رفتن ما نیز این کار را ادامه خواهند داد. اما این امید وجود دارد راهی که توسط خود اهالی از یک سال پیش آغاز شده و کارهایش توسط خودشان انجام شده، پیگیری شود و به سرانجام برسد.

فراموش نکنیم برطرف شدن مشکل خسارت گاو موضوع مهمی است اما

گزارش جلسات مردم با اداره محیط زیست



همچنین قرار شد که آقایان رضا آبرون و اردشیر ترمیشی مسئولیت دعوت از رییس اداره محیط زیست سیاهکل را به عهده بگیرند. در انتها مردم پیشنهاد دادند مکان برگزاری جلسه با اداره محیط زیست در مسجد گیل بام باشد که فضای بزرگتری دارد.

میرزایی درباره حیطه وظایف محیط زیست صحبت هایی کرد و گفت: «سلامت انسان و جان انسان برای ما در اولویت است و دغدغه مان این است که مشکلات مرتفع شود و برای حفظ محیط زیست همه باید دست به دست هم دهیم.»

در ادامه اهالی پرسیدند که آیا محیط زیست در منطقه پلنگ ول کرده است و اگر پلنگ به گاو حمله کند آیا محیط زیست خسارت پرداخت خواهد کرد؟ آقای میرزایی در پاسخ به این سؤالات گفت شایعه ول کردن پلنگ در منطقه درست نیست، چون پلنگ تعدادش کم است و نسل آن در خطر انقراض است و محیط زیست نمی تواند چنین کاری انجام دهد. در مورد خسارت هم گفت که اگر پلنگ در محدوده زمین کسی حمله کند خسارت پرداخت می شود. در حال حاضر برای کل شهرستان مبلغ سه میلیون تومان بابت پرداخت خسارت در نظر گرفته شده است که این مبلغ خیلی کم است. میرزایی تاکید کرد اگر پلنگ به گاوتان حمله کرد گزارش دهید. در این صورت کارشناسان ما به روستا می آیند، فرم هایی را تکمیل می کنند و به استان گزارش می دهند تا مبلغی برای خسارت تعیین شود. در صورت تامین بودجه خسارت پرداخت خواهد شد. در این جلسه آقای میرزایی گفت محیط زیست می تواند برای پیشگیری از پلنگ زدگی از بین اهالی روستا میرشکار تعیین کند. یعنی در صورت مشاهده پلنگ در منطقه، محیط زیست به میرشکار اجازه می دهد سه روز پیاپی تیر هوایی شلیک کند تا منطقه برای پلنگ ناامن شده و از اطراف روستا دور شود.

از تیرماه ۹۲ که اولین جلسه برنامه ریزی برای کاهش خسارت گاو در روستا برگزار شد، یکی از کارهایی که اهالی روستا بر انجامش تاکید داشتند برگزاری جلسه با اداره محیط زیست بود. مردم معتقد بودند که اداره محیط زیست می تواند مهم ترین نقش را در کاهش خسارت گاو داشته باشد. به همین علت جلسه با مسئولین محیط زیست به عنوان اولین کار در کاغذ برنامه ریزی وارد شد. بعد از آن قرار شد که برنامه ریزی برای برگزاری این جلسه صورت بگیرد تا اهالی ببینند چه انتظاری از این جلسه دارند؟ چه سؤالاتی را بپرسند؟ و چه کسانی این سؤالات را بپرسند؟

در شب ۳۰ شهریور، چهارده نفر از اهالی روستا در دهیاری گاو کول دور هم جمع شدند تا برای دیدار با مسئولین محیط زیست برنامه ریزی کنند. آنها در ابتدا انتظارات خود را از این جلسه گفتند. مردم می خواستند با وظایف محیط زیست آشنا شوند و ببینند که آیا در هنگام پلنگ زدگی خسارت به آنها پرداخت می شود یا خیر؟ در بخش دیگر این جلسه مشخص شد که چه کسانی این سؤالات را بپرسند.

حضور مسئولین اداره محیط زیست در روستا

بعد از گذشت حدود یک ماه و نیم از برنامه ریزی صورت گرفته برای دعوت از محیط زیست، قرار شد رییس این اداره روز ۱۹ آبان در روستا حضور پیدا کند.

هماهنگی ها و پیگیری های مربوط به این جلسه توسط آقای آبرون، دهیار روستای گاو کول، انجام شد و جلسه با حضور ۱۶ نفر از اهالی روستای گیل بام و ۳ نفر از روستای چلگاچه در مسجد گیل بام برگزار شد.

از طرف اداره محیط زیست هم آقای میرزایی، رییس اداره، آقای فرزین یکی از کارشناسان این اداره در روستا حضور داشتند. در ابتدا آقای





محیطزیست پیشنهاد شدند.

در پایان سایر فعالیت‌هایی که برای کاهش خسارت گاو در نظر گرفته شده بود مرور شد و جلسه با اداره جهاد کشاورزی در اولویت قرار گرفت. آقای اردشیر ترمیشی مسئولیت مذاکره با این اداره را به عهده گرفت.

بررسی "جلسه با محیطزیست" توسط اهالی

بعد از حضور مسئولین اداره محیطزیست در روستا، قرار شد مردم دور هم جمع شوند تا در آن جلسه محیطزیست بررسی شده و درباره ادامه همکاری با این اداره تصمیم‌گیری شود. همچنین در مورد سایر فعالیت‌هایی که برای کاهش خسارت گاو پیشنهاد شده بود، گفت‌وگو شود.

در شب ۸ آذر، ۱۲ نفر از اهالی روستای گیل‌بام در مسجد ابوذر حضور پیدا کردند. ابتدا اهالی نظراتشان را در مورد جلسه با اداره محیطزیست گفتند. بعضی معتقد بودند که این جلسه فایده‌ای نداشته است و بعضی دیگر گفتند که نکته‌های خوبی در جلسه وجود داشت و پاسخ سوالاتمان را گرفتیم.

یکی از اهالی در مورد ادامه همکاری با محیطزیست پیشنهاد داد که «بهتر است نمایندگان انتخاب کنیم تا پیش محیطزیست بروند. هم نظرات مردم را بگویند و هم نظرات آنها را بشنوند و ببینیم در ادامه چه می‌شود کرد.» حاضرین در جلسه هم با این پیشنهاد موافقت کردند. با این تصمیم بعضی از اهالی به عنوان نماینده برای گفت‌وگو با اداره



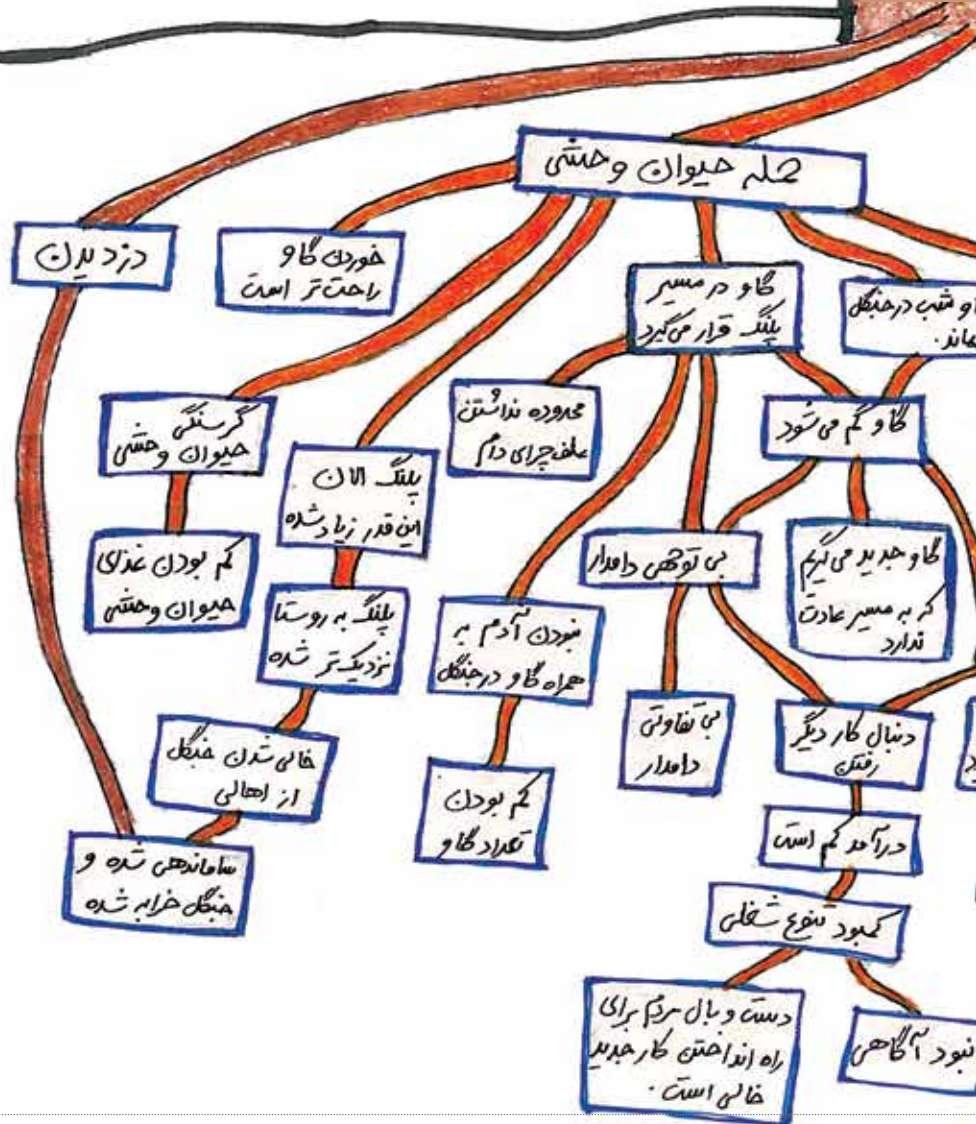
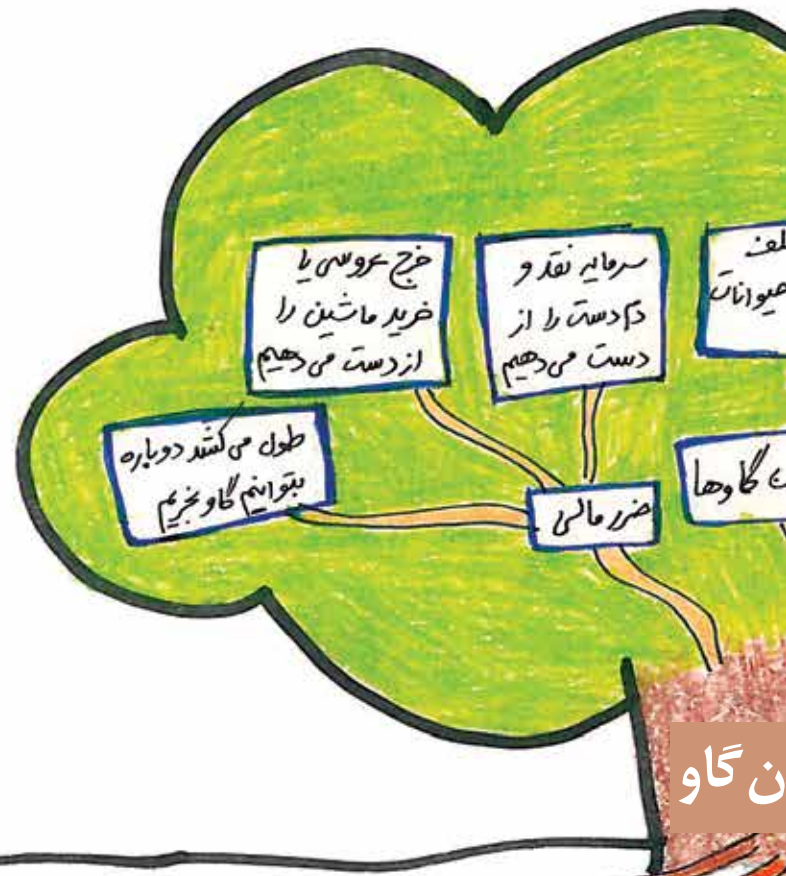
مردم بدتر می‌شود.

در این جلسه رییس اداره محیطزیست بر لزوم دادن گزارش‌دهی سریع توسط اهالی در هنگام حمله پلنگ تاکید کرد. او گفت مهم است که اهالی گزارش را ارسال کنند و بعد از آن لاشه را سریع خاک کنند تا دوباره پلنگ به آن محل و خوردن گاو عادت نکند. اهالی پرسیدند وقتی بودجه‌ای برای پرداخت خسارت وجود ندارد این گزارش‌دهی چه سودی برای ما خواهد داشت؟ آقای میرزایی در پاسخ گفت که ثبت این گزارش‌ها کمک می‌کند تا در صورت تامین بودجه، به خسارت دیدگان مبالغی پرداخت شود. از طرفی ما می‌توانیم به میرشکاری از بین خود اهالی اجازه تیراندازی هوایی بدهیم تا منطقه برای پلنگ ناامن شود. در ضمن محیطزیست می‌تواند در جنگل دوربین گذاری کند تا محل‌هایی که حضور پلنگ در آنجا زیاد است را شناسایی کرده و به مردم اطلاع‌رسانی کند.



دیدار نمایندگان مردم باریس اداره محیطزیست

در روز دوشنبه ۱۱ آذر شش نفر از اهالی روستا به نمایندگی از مردم به اداره محیطزیست سیاهکل رفتند تا با رییس و کارشناسان این اداره گفت‌وگو کنند. در این جلسه آقایان اردشیر ترمیشی، گل‌برار ایلچی، ابوذر بهادری، سیروس ایلچی، ارسلان دهشتی و امین برهانی حضور داشتند. در ابتدای جلسه نمایندگان مردم نکاتی درباره جلسه محیطزیست گفتند و سوالاتی را که همچنان دغدغه اهالی است دوباره مطرح کردند و پاسخ‌هایی شنیدند. در این جلسه نمایندگان پرسیدند آیا امکان دارد محیطزیست منطقه‌ای را فنس‌کشی کرده تا محدود پلنگ و گاو مشخص شود؟ آقای میرزایی جواب داد در حال حاضر منطقه شما "شکار ممنوع" است یعنی موتور، ماشین و گاو می‌توانند درون آن رفت و آمد کنند، ولی اگر فنس‌کشی شود منطقه حفاظت شده خواهد شد و رفت و آمد به آن محدود می‌شود. این برای



راهکارهایی برای کاهش خسارت

بعد از این که مشکل خسارت گاو ریشه‌یابی شد و ریشه‌های جذبی‌تر آن به دست آمد، مردم راه‌حلهایی برای برخی از آن‌ها پیشنهاد دادند. راه‌حل‌های متنوعی که به کم‌رنگ شدن یک یا چند ریشه کمک می‌کند و از این طریق می‌تواند باعث کمتر شدن خسارت گاو در روستا شود. هر کدام از این راه‌حل‌ها ممکن است برای زندگی و شرایط بعضی از اهالی مناسب باشد. می‌توان امیدوار بود که آنچه از تجربه و همفکری مردم این سه روستا به دست آمده، به کمتر شدن خسارت گاو کمک کند.

راه حلی برای جلوگیری از پرت شدن گاو از بلندی

بعضی از اهالی می‌گویند با شناسایی نقاط دره و گودال می‌توان نقطه‌های پرخطر برای گاو را در جنگل مشخص کرد. این به دامداران کمک می‌کند که دام خود را از این نقاط دور نگه دارند. بعد از شناسایی این نقاط می‌توان با حصار کشیدن یا قرار دادن موانعی در مسیر، جلوی ورود گاو به نقاط پرخطر را گرفت.

راه‌حلهایی برای نبردن گاو به جنگل

در بررسی درخت مشکل توسط اهالی روستا، بارها به این موضوع اشاره شد که حضور گاو در جنگل باعث حمله پلنگ، پرت شدن از بلندی یا دزدیده شدن آن می‌شود. برای همین مردم راه‌حل‌های زیر را پیشنهاد کردند تا به جای فرستادن گاو به جنگل بتوان از آن در طویله نگهداری کرد:

• نگهداری گاو دورگه

یعنی به جای گاو بومی، گاو دورگه نگهداری شود. با این کار گاوها در طویله می‌مانند و جلوی چشم هستند و خطراتی مثل حمله پلنگ یا پرت شدن از بلندی یا دزدی، کمتر تهدیدشان می‌کند.

• تلقیح مصنوعی گاو بومی

خریدن گاو دورگه هزینه زیادی دارد، برای همین می‌شود به جای خریدن گاو دورگه، بر روی گاو بومی تلقیح مصنوعی انجام داد و از آن گوساله دورگه گرفت. در بین مردم تجربیاتی در مورد تلقیح مصنوعی و نگهداری از گاو دورگه وجود دارد که در این خبرنامه چاپ شده است.

راه‌حلهایی برای مراقبت از گاو در جنگل

«نبودن آدم به همراه گاو در جنگل» یکی از ریشه‌هایی است که باعث می‌شود گاو در مسیر پلنگ قرار بگیرد و در نهایت پلنگ به آن حمله کند. برای از بین بردن این مشکل مردم راه‌حل‌های زیر را پیشنهاد دادند:

• خانواده‌ها نوبتی از گاو مراقبت کنند

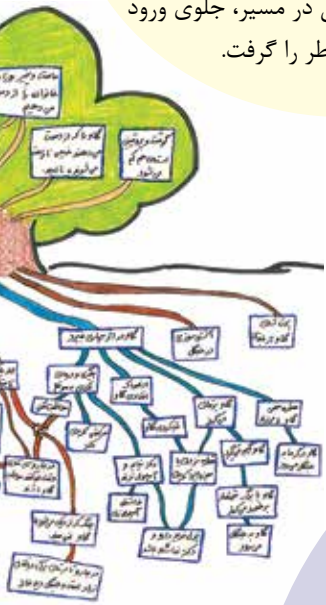
خانواده‌هایی که مسیر دامشان مشترک است، می‌توانند به صورت نوبتی از دام نگهداری کنند. یعنی هر روز یا هر هفته، یک خانواده همراه گاو به جنگل برود.

• سپردن گاو به آدمی دیگر جهت نگهداری و مراقبت

یکی از کارهایی که از گذشته در روستا مرسوم بوده این است که اهالی در فصل بیجار دامشان را به کسی می‌سپردند تا برایشان نگه دارد و در مقابل به او پول یا برنج می‌دادند. با بررسی درخت مشکل، بعضی از مردم این رسم را به عنوان راه‌حلی پیشنهاد کردند که می‌تواند به کاهش خسارت گاو، به خصوص در فصل بیجار، کمک کند.

راه اندازی تعاونی

بعضی از مردم پیشنهاد راه‌اندازی تعاونی را دادند. آن‌ها می‌گویند ایجاد یک تعاونی در روستا می‌تواند کمک کند مردم وسایل و خوراک مورد نیاز برای گاویشان را با قیمت مناسب‌تری تهیه کنند. این کار می‌تواند نگهداری گاو دورگه را هم آسان‌تر کند.



راه‌های برای درمان به موقع گاو

یکی از مشکلاتی که به عنوان ریشه خسارت دیدن گاو مطرح شده، «نداشتن آمپول‌زن» در روستا است. اهالی می‌گویند با حضور آمپول‌زن در روستا و یا با آموزش دیدن مردم درباره تزریقات و داروها، می‌توان این مشکل را برطرف کرد. مردم به دو شکل این راهکار را پیشنهاد داده‌اند:

• حضور آمپول‌زن در روستا

اگر در هر روستا چند نفر تزریقات را یاد بگیرند، هر روستا برای خودش آمپول‌زن خواهد داشت. به این ترتیب وقتی گاوهای روستا بیمار می‌شوند، سریع‌تر می‌توان آن‌ها را درمان کرد و لازم نیست برای هر بار تزریق آمپول کسی از سنگر یا سیاهکل بیاید.

• آموزش دیدن مردم در مورد تزریقات و داروها

برنامه‌ای برای آموزش کاربرد داروها و تزریقات دام به همه مردم روستا وجود داشته باشد. به این ترتیب اگر گاو کسی مریض شد، خودش می‌تواند از عهده مراقبت آن بر بیاید و سریع‌تر درمانش را پیگیری کند.

ایجاد محوطه فنس‌کشی برای پلنگ

برای این‌که پلنگ محوطه مخصوص خود را داشته باشد و از دام دور باشد، بعضی از اهالی پیشنهاد دادند که برای پلنگ محوطه فنس‌کشی ایجاد شود. این پیشنهاد در دیدار نمایندگان مردم با اداره محیط‌زیست هم مطرح شد. مسئول اداره محیط‌زیست توضیح داد که ایجاد چنین محوطه وسیعی در دسرهای مردم را افزایش خواهد داد. چون برای سکونت یا ورود مردم به آن محوطه محدودیت ایجاد خواهد شد.

راه‌های برای ایجاد تنوع شغلی در روستا

برخی از اهالی می‌گویند که در دسرهای نگهداری از گاو از سودش بیشتر است و ترجیح می‌دهند که به جای آن کار دیگری انجام دهند. از طرف دیگر برخی می‌گویند اگر شغل دیگری در جنگل داشته باشیم می‌توانیم بیشتر از گاومان مراقبت کنیم. به همین دلیل مردم راه‌حل‌های زیر را برای ایجاد تنوع شغلی در روستا پیشنهاد کردند:

• زنبورداری در جنگل

به گفته برخی از اهالی اگر در جنگل زنبورداری انجام شود، به درآمد و تنوع شغلی مردم کمک می‌کند، از طرف دیگر بعضی از مردم می‌گویند «خالی شدن جنگل از اهالی» باعث افزایش دزدی و نزدیک شدن پلنگ به روستا شده است. حضور زنبورداران در جنگل می‌تواند به کم‌رنگ شدن این مشکل هم کمک کند.

• پرورش قارچ

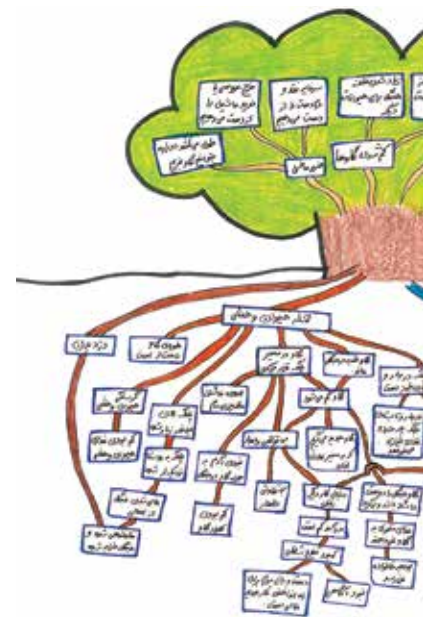
پرورش قارچ یکی از کارهایی است که اهالی می‌توانند راه‌اندازی کنند تا به افزایش درآمد آنها کمک کند. یکی از اهالی پیشنهاد داد که اگر مردم در داخل جنگل و در تنه درختان پرورش قارچ بدهند، علاوه بر این که برایشان درآمد دارد، باعث می‌شود حضور بیشتری در جنگل داشته باشند و بهتر بتوانند از دام‌شان مراقبت کنند.

• تولید ورمی کمپوست در جنگل

در این کار با استفاده از کرم‌های مخصوصی زباله‌های تر مانند آشغال میوه و سبزیجات را تجزیه کرده و آن را تبدیل به کود می‌کنند. این کود هم برای بیجار خودشان قابل استفاده است و هم می‌توانند آن را بفروشند و کسب درآمد کنند.

• کشت دوم (مثل برنج، باقلا، سبزی)

در فصل‌هایی که زمین برای کشت برنج مورد استفاده قرار نمی‌گیرد می‌توان محصول دیگری مثل باقلا، سبزی یا سایر انواع برنج کاشت.



ایجاد علف‌چرا

نمونه‌ای از علف‌چرا در روستای تازه آباد وجود دارد که سال‌ها قبل محدوده آن توسط منابع طبیعی مشخص شده و به مردم واگذار شده است. برخی از اهالی مشخص شدن چنین محدوده‌ای برای روستاهای خود را لازم می‌دانستند. شاید این پیشنهاد بتواند با پیگیری مردم یا نمایندگان از آن‌ها عملی شود. به گفته اهالی با انجام این کار گاو کمتر در مسیر حمله پلنگ قرار می‌گیرد.

گفت‌وگویی درباره گاو دورگه

دیگر نمی‌توانستیم گاو را به جنگل ببریم



حدود دو سالی می‌شود که یکی از اهالی روستا گاو دورگه نگه می‌دارد. به گفته خودش به خاطر سختی‌ها و خطراتی که فرستادن گاو به جنگل داشته، تصمیم گرفته‌اند گاوهایشان را در طویله نگه دارند. در گفت‌وگوی زیر می‌توانید تجربیات آنها از خرید و نگهداری گاو دورگه را بخوانید.

• چرا به فکر نگهداری گاو دورگه افتادید؟

چوبدار پیشنهاد داد که گاو دورگه بخریم. قبلا گاو ما را در جنگل پلنگ خورده بود، به خاطر همین تصمیم گرفتیم در طویله گاو نگه داریم که دیگر پلنگ آن را نخورد. از طرفی چون ما سر مزرعه می‌رویم نمی‌توانستیم به جنگل برویم و مراقب گاو باشیم.

• بعد از گرفتن این تصمیم چه کارهایی انجام دادید؟

از کمیته امداد وام گرفتیم. گاوهای خودمان را فروختیم و فقط دو تایش را نگه داشتیم که الان در طویله‌اند. بعد طویله را آماده کردیم و رفتیم گاو دورگه خریدیم.

• الان از تصمیمی که دو سال پیش گرفتید، راضی هستید؟

هر کاری آدم شروع می‌کند، می‌گوید من می‌توانم انجام بدهم، ولی نگه داشتن این هم یک کم سخت است. خیلی سخت است به خدا، آدم می‌ترسد. ما یک گاو داشتیم که مشکل رحم داشت، می‌خواستیم آمپول بز نیم نزدیک ۳۰۰ هزار تومان خرج کردیم. هزینه این‌ها بیشتر از گاوهایی است که جنگل می‌روند. خوبی‌اش همین است که طویله مانده‌اند.

• به نظر شما سخت‌ترین کار در نگهداری گاو دورگه چیست؟

خریدن گاو دورگه خوب، سخت‌ترین قسمت کار است. چون اگر کسی بخواهد گاوش را بفروشد، گاو خویش را نمی‌فروشد، گاو مریض یا مشکل‌دارش را رد می‌کند. باید آن قدر بدوی تا یک گاو خوب پیدا کنی.

• گاو خوب را خودتان پیدا می‌کنید؟ مثلا دکتری یا کسی را برای تشخیص می‌آورید؟

خودمان که نمی‌توانیم. باید چوبدار یا آدم شناسی برایمان پیدا کند. برای ما یک چوبدار گرفت که شناس بود. بعضی‌ها هم هستند که دیگر نمی‌خواهند گاو نگه دارند و همه گاوهایشان را می‌فروشند. در بین آن‌ها هم می‌شود گاو خوب پیدا کرد.

• برای مراقبت و نگهداری از گاو دورگه باید چه کارهایی انجام داد؟

جایش باید تمیز باشد. خوراکش کثیف و مانده نباشد. مثلا اگر علف هرز بخورد مریض می‌شود. یا مثلا اگر سبوس چند شب مانده به آن بدهی، شکمش کار نمی‌کند.

• یعنی شما هر روز برایش خوراک تازه می‌گیرید؟

ما چهار تا مال داریم، هر دو سه روز یک بار، یک گونی سبوس یا آرد جو یا کنستانتره برایشان می‌خریم.

• با این شرایطی که گفتید آیا هر کسی می‌تواند گاو دورگه نگه دارد؟

هر کسی می‌تواند نگه دارد. مشکل نیست. باید علاقه داشته باشد. مثلا کسی که می‌گوید من نمی‌روم طویله اصلا نمی‌تواند گاو نگه دارد. کسی را می‌خواهد که به این کار علاقه داشته باشد. گاو دورگه را همه می‌توانند نگه دارند، حتی زن‌ها هم می‌توانند. اما گاو بومی را مردها باید به جنگل ببرند.

البته نگهداری گاو دورگه کار یک نفر نیست، سخت است. اگر سه چهار تا گاو باشد، یک نفر می‌تواند نگه دارد ولی اگر بیشتر باشد، نمی‌تواند. کارش زیاد است و برای یک نفر سخت است.

• یعنی هر خانواده‌ای که گاو محلی نگه می‌دارد، می‌تواند گاو دورگه هم نگه دارد؟

بله، این جا همه می‌توانند نگه دارند. در روستای ما همه گاو محلی داشته‌اند و می‌توانند نگه دارند.

• در همین طویله‌هایی که مردم دارند هم می‌شود نگه داشت؟ یا جای مخصوص می‌خواهد؟

بله، در همین طویله‌ها هم می‌شود. الان همه طویله‌هایشان تمیز است. طویله‌شان سنگی است، زیرش هم آسفالت است.

• نگهداری گاو بومی و دورگه چه تفاوتی با هم دارد؟

برخی مواقع گاوهای محلی آدم را می‌زنند، اما دورگه‌ها کاری به آدم ندارند. گاو بومی سختی خودش را دارد، چون باید همراهش به جنگل بروی و گرنه پلنگ آن را می‌خورد. دورگه همین جاست و خیال آدم راحت‌تر است. کارت را انجام می‌دهی و می‌روی خانه.

برای دورگه هر هفته دو سه تا کیسه باید سبوس و آرد جو بخری که هزینه‌اش

بودیم و کور شده بود. دکتر که دید گفت قندش بالا رفته و به چشمانش زده است.

• هر چند وقت یک بار لازم است دکتر گاوها را معاینه کند؟

کسی که می‌خواهد گاو نگه دارد حتما ماهی یک بار باید دکتر بیاورد که آن‌ها را معاینه کند. ولی وقتی می‌بینیم حال‌شان خوب است، پیش آمده که تا دو ماه هم دکتر نیاوریم. اما این که هر ماه دکتر بیاوری بهتر است، خیالت هم راحت‌تر است.

زیاد است. باید کسی باشد که کار دیگری داشته باشد و بتواند خرج این‌ها بکند. گاوهای دورگه ماده می‌توانند خرج خودشان را بدهند اما گوساله‌ها نمی‌توانند.

• در خوراکشان هم تفاوتی وجود دارد؟

گاوهای دورگه تفاله نمی‌خورند، خوراکشان یونجه است ولی ما این جا یونجه نداریم. سراجین می‌دهیم. ما از قبل نمی‌دانستیم که این‌ها تفاله نمی‌خورند. چون گاوهای بومی می‌خورند، ما هم اول به گاوهای دورگه‌مان تفاله می‌دادیم ولی برایشان ضرر دارد. ما یک گوساله کل داشتیم که به آن تفاله زیاد داده

مصاحبه با سیروس علیپور درباره بیمه کردن گاوهایش

چگونه گاوهایم را بیمه کردم



حدودا تا ۵۰۰ متری آمده است. در واقع گفتند اگر جای دوری باشد بیمه پرداخت نمی‌کند.

• این کاری که انجام دادید چه سختی‌هایی داشت؟

سختی داشت ولی ناچار بودیم. باید می‌رفتیم سیاهکل و خواهش می‌کردیم که برای بازدید بیایید. ساعت ۱۱ شب هم که مأمور بیمه آمد به شدت بارانی بود و نمی‌شد اینجا توی حیاط ایستاد ولی آن بنده خدا آمد. به هر حال سختی دارد.

• از اینکه گاوتان را بیمه کرده‌اید راضی هستید؟

فعلا راضی‌ام.

• آیا به اهالی هم توصیه می‌کنید که گاویشان را بیمه کنند؟

بیمه کنند بهتر است.

• برای انجام این کار چه مدارکی نیاز بود؟

کپی شناسنامه، کپی کارت ملی و قبض برق از ما خواستند. مبلغ بیمه را هم به حساب بانک کشاورزی سیاهکل واریز کردم و قبض را تحویل دادم.

در جلسات جمعی برنامه‌ریزی برای کاهش خسارت گاو بحث‌هایی درباره چگونگی بیمه کردن گاو مطرح شد. به خاطر سوالات و اختلاف نظرهایی که درباره شرایط و قوانین بیمه وجود داشت قرار برگزاری جلسه‌ای با اداره بیمه گذاشته شد تا قوانین برای همه روشن شود. در بین صحبت‌های انجام شده درباره بیمه، یکی از اهالی علاقه‌مند شد تا گاوهایش را بیمه کند. تجربه آقای سیروس علیپور از این کار را می‌توانید در این مصاحبه بخوانید.

• اولین بار چه زمانی متوجه شدید که می‌توانید گاوتان را بیمه کنید؟

ابتدا این موضوع را در یک جلسه جمعی که درباره خسارت گاو بود شنیدم. در آن جلسه خبرنامه‌ای به دست ما رسید و درباره بیمه هم صحبت شد. این گروهی که آمدند ما را توجیه کردند که اگر بیمه کنید احتمال دارد خسارت شما را پرداخت کنند و ما هم بیمه کردیم.

• برای این کار با کسی هم مشورت کردید؟

هم داخل محل سؤال کردیم و هم بچه‌هایی که از تهران آمده بودند به ما خبر دادند.

• از کی به فکر این کار افتادید؟

هنوز ۲۰ روز نیست بیمه کرده‌ام. ولی حدود یک ماه دنبال این کار را گرفتم.

• برای بیمه کردن چه مراحل را طی کردید؟

رفتم کمیته امداد تقاضا کردم. کمیته ما را به بیمه معرفی کرد. آنجا رفتم و بیمه نامه گرفتم. بعد هم از اداره بیمه آمدند و از گاوها عکس گرفتند.

• کمیته امداد برای انجام این کار چه کمکی کرد؟

فقط ما را به بیمه معرفی کرد.

• مأمور بیمه کی آمد و چه کارهایی انجام داد؟

ساعت ۱۱ شب آمد. ۲۰ هزار تومان هم هزینه آژانس پرداخت کردیم. از مال‌ها عکس گرفت و رفت. بعد ما را به بیمه معرفی کرد. برای چهار گاو حدود ۱۰۰-۱۵۰ هزار تومان هزینه برداشت تا همه کارها را انجام دادم و بیمه‌نامه را گرفتم.

• شرایط بیمه را هم پرسیدید که چیست؟

زیاد خسارت بده نیستند ولی اگر مثلا یک عواملی در نزدیکی پیش بیاید نصف خسارت را پرداخت می‌کنند.

• در مورد پلنگ زدگی هم پرسیدید که تا چند متری خسارت

می‌دهند؟

بله گفتند تا ۱۵۰-۲۰۰ متری. البته اینجا پلنگ تا ۱۵۰ متری نیامده است.

مصاحبه با مهرداد افروز درباره تجربه پرورش قارچ

آدمی که دنبال این کار می‌رود باید اراده داشته باشد

که کشت صحیح انجام دهم.

• چه کارهایی برای راه‌اندازی پرورش قارچ انجام دادید و چه مراحل را طی کردید؟

سالنی داشتیم که خیلی به درد این کار می‌خورد. ابتدا با پلاستیک، سقف کاذب زدیم. چون رطوبت زیاد گچ را خراب می‌کند، دیوارهای گچی آن را هم پلاستیک کردیم. سپس بستر قارچ را آماده و فضای سالن را پاستوریزه کردم. لوازم مورد نیاز برای این کار مانند داماسنج، بذر قارچ و رطوبت سنج را تهیه کردم.

• انجام این کار چه سختی‌هایی داشت؟

چند روز اول که می‌خواهی بستر را آماده کنی سختی زیادی دارد. مثلاً کله‌ها را باید با آب جوش ضد عفونی کرد تا محیط پرورش قارچ آلوده نشود. کلا در دو هفته اول، به مراقبت زیادی نیاز دارد. چون قارچ حساس است و اگر مراقبت نکنی خراب می‌شود و از بین می‌رود. فروختن آن هم یکی دیگر از سختی‌های کار است. این کار نیاز به بازاریابی خوبی دارد و در برداشته‌های اول باید وقت زیادی بابت فروش محصول گذاشت.

• آیا در زمان انجام این کار دلسرد هم شدید؟

بله، چند بار شده‌ام. یک بار به دلیل این که به طور کامل پاستوریزه نشده بود، کپک سبزی زیتونی در بستر به وجود آمد که کلا تولید را کم کرد و مقداری از قارچ‌ها از بین رفت. یک بار هم در تابستان دیدم که قارچ‌ها زرد شده و فهمیدم که دلیلش گرمای زیاد بوده است. با برخورد با این مشکلات ابتدا دلسرد شدم ولی وقتی دلیلش را فهمیدم توانستم مشکل را برطرف کنم و به کار ادامه دهم.

• برای حل این مشکلات از چه کسی کمک و راهنمایی می‌گیرید؟

کسی در نزدیکی ما تجربه این کار را ندارد که بتوانم کمک بگیرم. به خاطر همین مشکلات را بیشتر به صورت تجربی برطرف می‌کنم. در اینترنت جست و جو می‌کنم و از تجربه آدم‌های دیگری که پرورش قارچ انجام داده‌اند و درباره این کار چیزی نوشته‌اند، استفاده می‌کنم.

• برای برطرف شدن مشکل فروش محصول چه کاری انجام دادید؟

در ابتدا از کمک یکی از آشنایان استفاده کردم. اما الان که مجوز گرفته‌ام راحت‌تر می‌توانم محصولات را بفروشم. چون قبلاً که مجوز نداشتم باید محصول را به صورت باز می‌فروختم. ولی الان با کمک مجوز، می‌توانم محصولات را با بسته‌بندی به فروش برسانم.

• برای گرفتن مجوز چه کارهایی انجام دادید؟

الان حدود یک سال است که به دنبال مجوز هستم. متأسفانه خیلی قوانین سختی برای گرفتن مجوز وجود دارد. می‌گویند باید گواهی گذراندن دوره آموزشی ۱۵۰ ساعته از فنی و حرفه‌ای بیآوری. ولی در سیاهکل هیچ جایی وجود ندارد که ۱۵۰ ساعت آموزش این کار را بدهد. از طرفی هم معلوم نیست کسی که به صورت تجربی این کار را یاد گرفته، چه کار باید بکند تا بتواند مجوز بگیرد.

• آیا از انجام این کار راضی هستید؟

بله، الان کار را گسترش دادم و راضی هستم. الان که مجوز گرفته‌ام می‌خواهم



مهرداد افروز یکی از جوانان روستاست که با سن نه چندان زیادش سراغ کارهای زیادی رفته است. برای خودش کارآفرینی کرده است و می‌خواهد کارش را گسترش دهد تا برای آدم‌های دیگر هم کارآفرینی کرده باشد. حدود یک سال است که پرورش قارچ راه‌اندازی کرده است و می‌خواهد پرورش ماهی را هم در آینده‌ای نزدیک شروع کند. در این مصاحبه می‌توانید تجربه مهرداد را درباره پرورش قارچ بخوانید.

• چطور شد که به فکر پرورش قارچ افتادید؟

یک روز که به همراه یکی از آشنایان به اطراف سیاهکل رفته بودیم با مهندسی آشنا شدم که محل زندگی‌اش خارج از روستا بود. در بین صحبت‌هایمان گفت اگر من اینجا زندگی می‌کردم، یک سالن قارچ بزرگ می‌زدم و ماهی ده میلیون تومان از طریق پرورش قارچ درآمد داشتم.

از او پرسیدم که پرورش قارچ را چه طور می‌توان راه‌انداخت؟ گفت یک آشنایی در کرج دارم که این کار را انجام می‌دهد. هم بذر قارچ را می‌فروشد و هم قارچ تولید شده را می‌خرد.

این گفت‌وگو جرقه‌ای برای شروع این کار شد. سی دی آموزشی این کار را از اینترنت به قیمت ده هزار تومان خریدم و از طریق همان سی دی یاد گرفتم که چطور این کار را انجام دهم. چند سال پیش هم جهاد کلاس آموزش یک روزه‌ای درباره پرورش قارچ در روستا گذاشته بود که خواهر کوچکترم در آن شرکت کرد. این کلاس بیشتر تئوری بود و خیلی چیز کاربردی در آن یاد ندادند. اما آن کلاس هم یکی دیگر از عواملی بود که به فکر شروع این کار بیفتم. از طرفی به دنبال کمک خرجی بودم تا در زمان دانشجویی منبع درآمدی باشد و کاری هم انجام داده باشم. از یک سال گذشته دنبال کارهای مختلفی بودم و به این نتیجه رسیدم که سراغ قارچ بروم.

• از چه زمانی این کار را شروع کردید؟

تابستان سال گذشته کار را به صورت آزمایشی شروع کردم. تا به حال یک بار به صورت آزمایشی انجام دادم و دو بار به صورت جدی. در بار اول موفق شدم

می‌آیند از من می‌پرسند برای اینکه این کار را شروع کنیم چه کار کنیم؟ بعضی از آنها کار را شروع می‌کنند و بعد ول می‌کنند. به نظرم دلیلش وقت نگذاشتن و حوصله نکردن در کار است. تا به حال حدود ۱۵ نفر از من پرسیده‌اند و برای شروع کار مشاوره گرفته‌اند. بعضی از آنها حتی کار را شروع کردند ولی خیلی زود دست از کار کشیدند و پشیمان شدند.

• اگر کسی نیاز به کمک داشته باشد چه کمکی از دستتان برمی‌آید که انجام دهید؟

اگر وقت داشته باشم هر کمکی از دستم بر بیاید انجام می‌دهم. مثلاً می‌توانم در تهیه بذر کمک کنم یا اینکه به کسانی که می‌خواهند این کار را انجام دهند، مشاوره بدهم.

ساختمان بزرگ‌تری درست کنم تا دو سه نفر دیگر هم مشغول شوند. با این کار اشتغال‌زایی هم صورت می‌گیرد.

• چه کسانی می‌توانند پرورش قارچ راه بیندازند؟

هر کسی می‌تواند این کار را انجام دهد. این کار را می‌شود در یک انبار قدیمی ۱۲ متری هم انجام داد. در ابتدا می‌تواند یک کمک خرج اندک باشد اما یواش یواش می‌توان فضا را بزرگ‌تر و درآمد را بیشتر کرد. خوبی این کار این است که یک کار چهار فصل است و می‌توان در کل سال آن را انجام داد.

• چه توصیه یا پیشنهادی برای کسانی که می‌خواهند این کار را شروع کنند، دارید؟

آدمی که دنبال این کار می‌رود باید اراده داشته باشد و ناامید نشود. معمولاً

مصاحبه با جمشید افروز درباره گرفتن وام

چگونه برای خرید گاو وام گرفتم

پنج شش ماه طول کشید.

• انجام این کار برای شما چه سختی‌هایی داشت؟

سخت‌ترین مرحله‌اش همان پیدا کردن ضامن است که من یک نفر را پیدا کردم که بدهکار نبود.

• برای اینکه وام بدهند چه شرطی گذاشتند؟

ابتدا از جهاد می‌آیند طویله را می‌بینند که شرایطش مناسب باشد، مثلاً بلوکی باشد. بعد از اینکه وام

گرفتی و گاو را خریدی هم باید بروی بیمه کشاورزی سیاهکل و آنها را بیمه کنی. بعد می‌آیند و پلاک می‌زنند و بیمه نامه را صادر می‌کنند. دوباره می‌آیند و چک می‌کنند که بیمه کرده‌ای یا نه؟

• شما با وامی که گرفتید چند گاو خریدید؟

من دو تا گاو محلی خریدم. خودشان متوجه شدند که با این پول نمی‌شود گاو دورگه خرید، برای همین سخت

نمی‌گرفتند. البته کسانی هم بودند که دورگه خریدند.

• الان از این کاری که انجام دادید، راضی هستید؟

راضی هستم. چون وام کم سودی است. البته من دوست دارم که دوباره هم اقدام کنم و وام بگیرم. می‌شود به اسم یکی دیگر از اعضای خانواده دوباره وام گرفت.

• این وام را چطور باید بازپرداخت کنید؟

سالانه ۹۷۰ هزار تومان

• آیا به اهالی توصیه می‌کنید که این کار

را بکنند؟

بله، می‌گویم این کار را بکنند. از هیچ چیز که بهتر است. چون وامش ارزش دارد و الان هیچ بانکی چنین وامی نمی‌دهد.

بود که مبلغ وام کم بود. من خودم می‌خواستم ۱۰ میلیون تومان بگیرم ولی آنها گفتند بانک کشاورزی ۵ میلیون تومان می‌دهد که با آن دو راس گاو دورگه بگیریم. ولی قیمت گاو دورگه گران بود و با این پول فقط می‌شد یک گاو خرید که از نظر آنها قابل قبول نبود. به همین دلیل بیشتر کسانی که این وام را گرفتند یا نتوانستند گاو بخرند یا گاو سنتی خریدند.

• شما از کمیته امداد وام گرفتید یا از جهاد کشاورزی؟

جهاد به کسانی که تحت پوشش کمیته امداد نبودند وام می‌داد که شرایط آن با کمیته امداد فرقی نداشت، آن هم با سود چهار درصد بود. من ابتدا به کمیته امداد مراجعه کردم ولی چون تحت پوشش نبودم، من را به جهاد کشاورزی معرفی کردند.

• برای اینکه وام بگیرید چه مرحله‌ای طی کردید؟

اول به کمیته امداد تقاضا دادم. آنها هم به قسمت خودکفایی جهاد کشاورزی ارجاع دادند. بعد از اینکه پرونده‌سازی انجام شد. من را به بانک کشاورزی معرفی کردند. آنجا تنها مشکل، داشتن ضامن بود.

اگرچه تنها با یک پروانه کسب هم می‌توان ضامن شد ولی بانک کشاورزی می‌خواست که ضامن جایی بدهکار نباشد یا معوقه نداشته باشد. این مشکل بزرگی بود که باعث شد خیلی‌ها منصرف شوند. از هر ده پرونده شاید یکی دوتا می‌توانستند وام بگیرند، بقیه منصرف می‌شدند.

• از پرونده‌سازی تا گرفتن وام چقدر طول

کشید؟

اگر اعتبار وجود داشته باشد بیست روز تا یک ماه طول می‌کشد. اما وقتی من اقدام کردم اعتبار نبود و



جمشید افروز یک سالی می‌شود که برای خرید گاو وام گرفته است. اگرچه به گفته او گرفتن وام بی‌دردسر نیست اما گرفتن آن را به بقیه اهالی توصیه می‌کند. در ادامه می‌توانید تجربه و مراحل گرفتن وام را از زبان او بخوانید.

• اولین بار چطور متوجه شدید که برای خرید گاو وام می‌دهند و شما می‌توانید وام بگیرید؟

از کمیته امداد سیاهکل شنیدم که وامی هست و بعضی‌ها می‌گیرند. کسانی برای وام مراجعه می‌کردند. من هم چون به آنجا سر می‌زدم متوجه شدم که می‌توانم وام بگیرم. تلویزیون هم اعلام کرد. سال ۹۱ بود.

• برای اینکه وام بگیرید چه کار کردید؟

اول رفتم به کمیته امداد تقاضا دادم. گفتند مدتی طول می‌کشد تا اعتبارشان بیاید. تنها مشکلم این

گفت‌وگو با خانم پیروی درباره تلقیح مصنوعی گاو بومی

راه میان‌بری برای رسیدن به گاو دورگه

در درخت مشکل «نرفتن دامدار به همراه گاو در جنگل» به عنوان یکی از ریشه‌هایی مطرح شد که باعث خسارت دیدن گاو می‌شود. خسارت‌هایی مثل پلنگ زدگی، پرت شدن از بلندی و دزدی. به همین دلیل برخی از اهالی راه‌حلی پیشنهاد دادند که در آن گاو کمتر به جنگل برود. یکی از این راه‌حل‌ها نگهداری گاو دورگه است. اما هزینه زیاد خریدن گاو دورگه باعث می‌شود که همه مردم نتوانند این کار را انجام دهند. بعضی‌ها با انجام کاری مثل تلقیح مصنوعی گاو بومی و تولید گاو دورگه توانسته‌اند این مانع را از سر راه بردارند. یکی از آنها خانواده خانم هنگامه پیروی است. این خانواده ساکن روستای سردارآباد هستند. آنها تجربه موفق در انجام تلقیح مصنوعی داشتند که باعث شد تعدادی دیگر از اهالی آن روستا هم به انجام این کار علاقمند شوند. داستان این تجربه را از زبان خانم پیروی بخوانید.



• چرا خانواده شما به جای خریدن گاو دورگه به فکر استفاده از تلقیح مصنوعی افتاد؟

خریدن گاو دورگه نسبت به گاو بومی هزینه مالی زیادی دارد. به خاطر گوشت بیشتری که دارد و شیر بیشتری که تولید می‌کند قیمتش گران‌تر است. بنابراین یک راه میان‌بر، سریع‌تر و راحت‌تر برای داشتن گاو دورگه این است که از گاوهای بومی خودشان استفاده کنند. برای گاوی که از نظر جثه فیزیکی و شیردهی از بقیه بهتر است می‌شود تلقیح مصنوعی انجام داد تا گاو دورگه‌ای البته با درصد پایین تولید کند. این کار نسبت به اینکه بروند گاو دورگه بخرند ارزان‌تر است و هزینه‌ای ندارد. تنها هزینه‌ای که دارد هزینه تلقیح مصنوعی است. حتی می‌توانند مثل گاو بومی آن را به جنگل بفرستند چون درصد دورگه آن پایین است ولی جثه و شیردهی‌اش از گاو بومی بیشتر است.

• برای تلقیح مصنوعی چه کارهایی باید انجام شود؟ و چه مراحل دارد؟

کافی است که گاو بومی ماده‌ای داشته باشید که حداقل یک بار زایمان کرده باشد و از نظر فیزیکی و شیردهی مناسب باشد. مقداری هم مراقبت نیاز دارد. باید دقت کنید که گاو چه زمانی تمایل به جفت‌گیری دارد. در این زمان باید مراقب باشید که از گاوهای نر دیگر دور بماند. دیگر این که دایما با یک دامپزشک در تماس باشید و مشورت کنید تا سر موقع این تلقیح را انجام دهید. ممکن است دکتر چند بار بیاید و بگوید گاو آماده نیست. آمادگی شرط اولیه است چون اگر آماده نباشد ممکن است تلقیح را رد کند. بعد باید چند روز در طوبله و جدا بماند. دیگر مراقبت خاصی نیاز ندارد تا موقع زایمان که باز هم نیاز به پزشک دارد. گوساله‌ای که بعد از تلقیح اولیه به دنیا می‌آید چند درصد زن دورگه را با خود می‌آورد.

• یادتان است که هزینه اولین تلقیح چقدر بود؟

حدود ده سال پیش تقریباً ۱۰ هزار تومان بود. هشت سال پیش ۱۲ هزار تومان. اما بعد از آن پدرم چون خودش گوساله دورگه نر داشت دیگر از تلقیح مصنوعی استفاده نکرد.

• شما گفتید که پدر و مادرتان تلقیح مصنوعی برای گاو بومی انجام داده‌اند، اولین بار چطور این فکر به ذهن آنها رسید؟

چهار پنج سال قبل از اینکه پدرم تلقیح مصنوعی را انجام دهد، می‌خواست برای گاوداری‌اش وام بگیرد. مهندسی که از جهاد کشاورزی سپاهلک برای برآورد هزینه آمده بود به پدرم پیشنهاد داد که چند گاو نر هم بگیرد و پروار کند. صحبت‌های کمی هم در مورد تلقیح مصنوعی شد. از طرف دیگر، پدرم خودش کارگر دامپروری سفیدرود رشت بود و حدود ده سال کار نگهداری و تغذیه گاو را انجام داده بود. هنوز هم علاقه زیادی به گاوداری دارد. به همین دلیل می‌خواست که گاوداریش را کمی توسعه بدهد. فکر و علاقه پدرم به همراه صحبت‌های مهندس جهاد کشاورزی جرقه‌ای شد که گاو بومی را مقداری تغییر دهد. زیرا یک‌سال گاو بومی را ببندید به اندازه اینکه دو ماه گاو دورگه را ببندید خرج بر می‌دارد، در ضمن بازدهی کمتری هم دارد. به همین ترتیب طی صحبت‌ها و تماس‌هایی که پدرم با همان مهندس جهاد کشاورزی داشتند پیشنهاد شد که می‌توانند همین گاوهای بومی را با تلقیح مصنوعی اصلاح نژاد کنند.

• چگونه این کار را انجام دادند؟

حدود بیست سال پیش اولین تلقیح‌ها را انجام دادند ولی متأسفانه اصلاً گاو ماده‌ای تولید نشد. تا اینکه حدود ده سال پیش پدرم موفق شد از طریق تلقیح مصنوعی گاو دورگه ماده بگیرد که هنوز هم آن گاو را دارد. یک بار هم برای همان ماده تلقیح مصنوعی انجام شد ولی چون اسپرم گاو هولشتاین نبود، گوساله خیلی خوبی تولید نشد. چند باری هم عمل تلقیح مصنوعی به بارداری منجر نشد و پدرم دلسرد شد. ولی همان گاو ماده‌ای که با تلقیح مصنوعی تولید شده بود به شکل طبیعی بارور شد. گوساله‌های درشت و خوبی تولید کرد که نرها را پروار می‌کنند و ماده‌ها را برای شیردهی و زادآوری نگه می‌دارند. البته جثه این ماده‌ها به بزرگی دورگه نیست ولی از گاو بومی بزرگ‌تر است و گوساله‌های بازارپسندی هم به دنیا می‌آورند. از نظر شیردهی هم به اندازه گاوهای دورگه نیستند ولی از گاو بومی بهتر است.

کار را به او توصیه‌ای می‌کنید؟

مسلم تشویقش می‌کنم. الان در نگهداری هر چیزی بیماری‌ها و عوامل تلفات زیاد است، دزدی هم همین طور. پرت شدن از پرتگاه و حیوانات درنده هم هستند. اما اگر اینقدر نیاز به بیرون رفتن نداشته باشد دامدار کمتر دلشوره دارد که گاو برمی‌گردد یا نه. بازده بهتری هم دارد.

• چه کسانی در روستا می‌توانند از این روش استفاده کنند؟

احتیاج به شرایط خاصی ندارد. هر کس که یک گاو بومی در خانه‌اش دارد می‌تواند استفاده کند. به هر حال نگهداری همین گاو بومی هم یک هزینه‌ها و زحمتهایی دارد. گاو دورگه هم چیزی در همان حد است. هر کس که توان نگهداری گاو بومی را داشته باشد می‌تواند گاو دورگه هم نگه دارد.

• آیا پدرتان از کاری که کرده راضی است یا خیر؟

مسلم راضی است. همان گاو دورگه‌ای که دارد در حدود ۱۰ تا ۱۵ لیتر شیر می‌دهد که آن را به تعاونی می‌دهند و برایش علوفه می‌خرند. از آن ماست و پنیر و کره هم می‌گیرند. در صورتی که بعضی از گاوهای بومی به گوساله‌های خودشان هم نمی‌توانند شیر بدهند. معمولا هم در بیجار خودشان به چرا می‌روند. فقط در فصل بیجار مقداری خوراک اضافه به آن می‌دهند.

• سخت‌ترین مرحله این کار چه بود؟

استرس موقع زایمان مخصوصا برای اولین گوساله سخت‌ترین مرحله کار است. اگر از اهالی این‌جا کسی بیاید از شما مشورت بگیرد، شما این

چگونه طویله بهداشتی داشته باشیم؟

نوشته یکی از جوانان روستا



با توجه به اینکه تعداد زیادی از بیماری‌ها از جمله سل، تب مالت، شاربن، و بعضی از بیماری‌های انگلی، بین انسان و دام مشترک هستند؛ لذا بی‌توجهی در ساخت و اداره‌ی طویله می‌تواند بهداشت عمومی جامعه را به خطر بیندازد. دفع نامناسب فاضلاب و یا نگهداری غلط کود دامی می‌تواند علاوه بر ایجاد بیماری‌ها، باعث ایجاد بو و تکثیر و تجمع فراوان مگس، پشه و سایر حشرات هم بشود. پنج عامل مهم و اساسی برای بهداشت طویله، چه صنعتی و چه سنتی، نیازمند است که عبارتند از:

۱. دفع بهداشتی فاضلاب

ادرار دام به همراه آب حاصل از شست و شو، باید با یک نهر به بیرون هدایت شود. این فاضلاب یا باید توسط لوله به مزرعه و یا به داخل تانک‌های زیرزمینی هدایت شود. این فاضلاب به هیچ وجه نباید در اطراف ساختمان گاوداری یا به داخل رودخانه‌ها و آب‌های جاری رها شود. در غیر این صورت با توجه به شرایط مرطوب گیلان و بالا بودن آب‌های زیرزمینی، اولا باعث باتلاقی شدن محیط دامپروری می‌شود، ثانيا در فصول گرم سال موجب افزایش پشه و مگس و نیز ایجاد بو می‌شود.

۲. دفع صحیح کود دامی

پهن گاو مهم‌ترین عامل در جهت غیربهداشتی نمودن طویله و محیط اطراف است. جهت دفع بهداشتی کود دامی بهتر است مکان ویژه‌ای را به این امر اختصاص داد. جایگاه نگهداری کود که اصطلاحا آن را صفحه‌ی کود می‌گویند، باید حداقل صد متر دورتر از طویله و نیز خانه‌های مسکونی باشد.

۳. استفاده از آهک برای ضدعفونی و دفع رطوبت اضافی

در گیلان با توجه به شرایط اقلیمی، رطوبت اضافی همیشه مشکل‌آفرین است. رطوبت اضافی موجب لجن شدن طویله و رشد میکروب‌ها و قارچ‌ها می‌شود. ارزان‌ترین و بهترین ماده که هم رطوبت اضافی را جذب

می‌کند و هم باعث ضدعفونی طویله می‌شود، «آهک» است. هر روز پس از جمع‌آوری کود و تمیز کردن طویله می‌توان مقداری پودر آهک را در کف زمین پاشید. همین‌طور محیط اطراف طویله را نیز می‌توان با آهک ضدعفونی کرد. برای این کار آهک را به نسبت یک به پنج با آب مخلوط کرده و به صورت آبدوغ در می‌آوریم. سپس با جارو به دیوارها مالیده و آنها را سفید می‌کنیم.

۴. تهویه

تهویه در طویله‌های باز و نیمه باز اصلا مطرح نیست. اما در طویله‌های بسته باید به تهویه توجه زیادی کرد چون گاو به هوای دم کرده بسیار حساس است. نگهداری دام در هوای نامناسب باعث از خوراک افتادن و بیماری آن می‌شود. جهت تهویه طویله تا جای ممکن باید از پنجره‌ها استفاده کرد اما اگر پنجره‌ها جوابگو نباشند، باید هواکش نصب کرد. هوای درون طویله باید تقریبا مثل بیرون، بدون بو و بدون حالت دم‌کردگی باشد.

۵. نور

برای نور طویله در روز باید از نور خورشید استفاده شود اما برای شب نصب لامپ الزامی است. برای این کار به ازای هر سه تا پنج مترمربع یک لامپ ۱۰۰ وات کافی است.

راه‌افتادن اتاقک گفت‌وگوهای محلی



اتاقک نیز تابلوی اطلاع‌رسانی نصب شد تا خبرها و اطلاعیه‌ها بر روی آن قرار گیرد.

در حین صحبت با مردم به این نتیجه رسیدیم اتاقک به اسم مناسبی نیاز دارد که نشان‌دهنده کارکرد آن باشد. به همین خاطر بر روی تابلوی اطلاع‌رسانی کاغذی نصب شد که اهالی اسم‌های پیشنهادی خود را بنویسند، تا با رای‌گیری یکی از اسامی انتخاب شود. در نهایت پنج اسم از طرف مردم پیشنهاد شد و نام «اتاقک گفت‌وگوهای محلی» بیشترین رای را آورد و به عنوان اسم نهایی انتخاب شد.

در حال حاضر کاغذهای مربوط به جلسات و تحلیل‌هایی که اهالی انجام داده‌اند، در اتاقک نصب شده و همه می‌توانند نتیجه جلسات و اتفاقات مرتبط با خسارت گاو را در آن ببینند.

امیدواریم این اتاقک بتواند در آینده جایی برای گفت‌وگوهای جمعی باشد تا از این طریق مردم بتوانند با مشارکت یکدیگر برای مشکلات و فرصت‌های روستا همفکری کنند و اقداماتی انجام دهند.

در اولین سفرهایی که به روستا داشتیم وقتی از اهالی می‌پرسیدیم که مردم روستا معمولاً کجا جمع می‌شوند، اکثر آنها می‌گفتند که معمولاً اینجا کسی در جایی جمع نمی‌شود. بعضی‌ها هم می‌گفتند سر بازار خرابود یکی از جاهایی است که محل رفت و آمد و جمع شدن مردم است. به مرور زمان متوجه شدیم یکی از مکان‌هایی که برای دور هم جمع شدن‌های کوچک و تبادل اخبار و اطلاعات فضای خوبی دارد، سوپرمارکت سامان متعلق به بدیع... علیپور است. به همین علت اواسط آبان‌ماه نقشه‌منابعی که توسط اهالی کشیده شده بود را در اتاقک کناری این مغازه نصب کردیم تا همه بتوانند آن را ببینند و در صورت لزوم تکمیل کنند. با نصب این نقشه خیلی از مردم آن را دیدند و نکاتی را به آن اضافه کردند. بعد از این اتفاق گفت‌وگوهایی با تعدادی از اهالی و صاحب مغازه داشتیم تا اتاقک کنار مغازه به محلی برای برگزاری جلسات کوچک، نصب کاغذها و اطلاعیه‌های مرتبط با جلسات تبدیل شود. این اتاقک اواسط آذرماه با کمک تعدادی از اهالی مرتب و تمیز شد تا جایی برای گفت‌وگوهای محلی درباره خسارت گاو باشد. بر روی دیوار بیرونی

سرنخ‌هایی برای ادامه کارهای انجام شده

گفت‌وگو با اداره جهاد کشاورزی

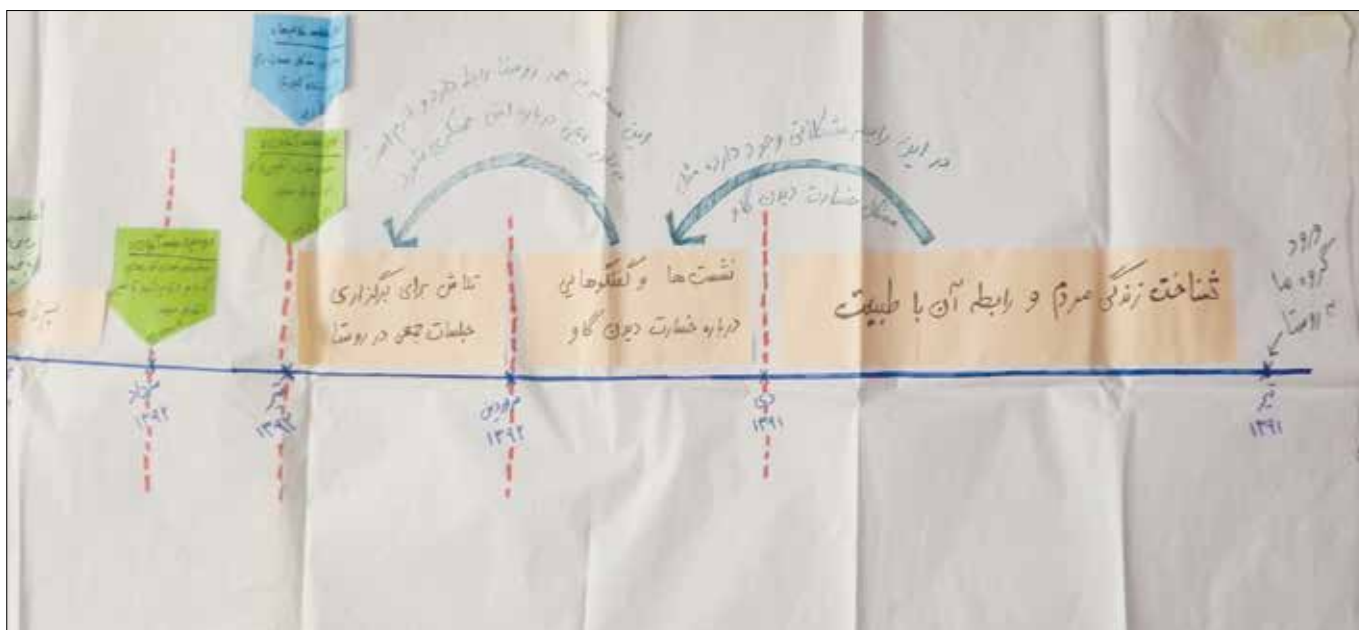
در دیداری که در تاریخ ۱۲ آذر آقای اردشیر ترمیشی، رییس شواری روستای گیل‌بام، و آقای مهدی سلیمانی با رییس اداره جهاد کشاورزی داشتند گزارشی درباره کارهای انجام شده در روستا داده شد و درمورد همکاری‌هایی که می‌تواند صورت بگیرد صحبت شد. ایشان درباره حضورش در روستا گفت در صورت حضور همه مسئولینی که به بحث خسارت گاو مربوط می‌شوند، او هم به روستا خواهد آمد. اما پس از دیدن خبرنامه و درخت مشکلی که مردم روستا برای ریشه‌یابی خسارت گاو کشیده بودند گفت این اداره می‌تواند کلاس‌های آموزشی رایگانی در مورد آشنایی با بیماری‌های گاو در روستا برگزار کند. او همچنین گفت که این اداره می‌تواند به متقاضیان وام بدهد اما برای مشکل ضمانت، لازم است که با بانک کشاورزی مذاکره شود. آقای کوهستانی، رییس اداره جهاد کشاورزی، بعد از شنیدن شرایط بیمه برای پرداخت خسارت پلنگ زدگی گفت که این اداره به صورت مستقیم در امر بیمه نقشی ندارد اما بر کار شرکت‌های بیمه نظارت می‌کند و در صورت لزوم می‌تواند قوانین بیمه را بررسی کرده و تغییر دهد.

در برنامه‌ریزی‌هایی که اهالی روستا برای کاهش خسارت گاو انجام داده‌اند چند کار در اولویت قرار گرفت. جلسه با اداره محیط‌زیست، اداره جهاد کشاورزی و بیمه به عنوان مهم‌ترین کارها در نظر گرفته شد. تا کنون جلسه با اداره محیط‌زیست برگزار شده است و گفت‌وگوهای مقدماتی با ادارات بیمه و جهاد کشاورزی برای حضور در روستا صورت گرفته است. در این گفت‌وگوها هر یک از ادارات در مورد نقش و کمک‌هایی که می‌توانند برای کاهش خسارت گاو انجام دهند، اعلام آمادگی کردند. همکاری با این ادارات سرنخی است که می‌تواند در آینده توسط مردم یا نمایندگان آنها پیگیری و اجرا شود.

گفت‌وگو با شرکت بیمه

در تاریخ ۹ آذر ۹۲ آقایان صابر بازدار و مهدی سلیمانی دیداری با شرکت بیمه شالیزار گیلان داشتند. در این دیدار بعد از ارائه خبرنامه، گزارش کوتاهی درباره کارهای انجام شده درمورد خسارت گاو در روستا داده شد. سپس توافق شد که یکی از کارشناسان شرکت برای توضیح شرایط بیمه و شرح قوانین در اوایل بهمن‌ماه در روستا حضور پیدا کرده و به سوالات مردم پاسخ دهد.

این کاغذ بازی‌ها به چه دردی می‌خورد؟



مشکلات و انجام کارهایی است که به رفع آنها کمک می‌کند یا در آینده خواهد کرد.

این کاغذها نشان می‌دهند که وقتی نظر یکی از اهالی را در کنار دیگری قرار می‌دهیم چگونه می‌تواند تبدیل به نقشه راهی برای همه باشد تا از طریق آن مشکل‌ها و فرصت‌ها شناسایی شوند. با استفاده از این نقشه راه می‌توان اقدامات و برنامه‌هایی را برای رسیدن به مقصد انجام داد.

اگر تصور کنیم نظرات و تجربیات اهالی مانند نخ‌های فرش است، ثبت آنها بر روی کاغذ باعث می‌شود که تار و پودش به هم وصل شود. در نهایت با بافته شدن آنها، فرش دستیابی به دست خواهد آمد که گره‌هایش را خود مردم زده‌اند و نقش و نگارش را خودشان ترسیم کرده‌اند. هر کس با دیدن این فرش متوجه می‌شود که در ذهن مردم روستا چه می‌گذرد، چه چیزهایی برایشان مهم است و چه کارهایی پیش رو دارند.

روزی که با یکی از اهالی برای گفت‌وگو درباره خسارت گاو به جهاد کشاورزی رفته بودیم، رییس جهاد در ابتدا گفت که برای خسارت گاو کار خاصی از دست آنها بر نمی‌آید. ولی بعد از دیدن ریشه‌های مربوط به بیماری گاو در درخت مشکل گفت که جهاد کشاورزی می‌تواند کلاس‌های آموزشی رایگان با موضوع «آشنایی با بیماری‌های گاو و مراقبت از دام» در روستا برگزار کند.

این موضوع نشان می‌دهد که وقتی مشکلات به خوبی ریشه‌یابی و ثبت می‌شود هر کسی با دیدن آن می‌تواند موضوع را خوب درک کند و اگر کاری از دستش بر می‌آید انجام دهد.

در این مدت که با اهالی روستا نشست و برخاست کردیم سعی داشتیم تا صحبت‌ها و نظرات آنها را بشنویم و این صحبت‌ها و گفته‌ها را بر روی کاغذهایی یادداشت و ثبت کنیم.

هنگام یادداشت صحبت‌ها این سوال از طرف برخی از اهالی مطرح می‌شد که این کاغذها و یادداشت‌ها به چه دردی می‌خورد؟ و هدف از این کاغذبازی‌ها چیست؟

واقعیت این است که بر روی این کاغذها چیزی به غیر از گفته‌های اهالی روستا نیامده است و ارزش این کاغذها به خاطر دانش و تجربه‌ای است که اهالی بر روی آن ثبت کرده‌اند.

ثبت این نظرها و صحبت‌ها به ما کمک کرده است که آنها را به شکل مناسبی گردآوری کنیم تا از فراموش شدن در امان بماند. از طرفی این امکان را به وجود آورد که این صحبت‌ها را در جمع‌های مختلف نشان دهیم و نظر بقیه اهالی را درباره آنها بپرسیم. در مجموع این تبادل نظرها کمک کرد تا هم ما و هم اهالی شناخت بهتری نسبت به مسأله که همان خسارت گاو بود، داشته باشیم.

از نظر ما هر یک از اهالی روستا صاحب دانش و تجربه‌ای درباره زندگی‌اش در روستا است که به مرور زمان آنها را کسب کرده است. یکی از کارهایی که انجام داده‌ایم گردآوری این تجربه‌ها و به اشتراک گذاشتن آنها با بقیه اهالی روستا است تا همه از آن بهره‌مند شوند.

کاغذهایی که تا کنون تولید شده چیزی نبوده‌اند جز نقشه‌هایی که خود اهالی ترسیم کرده‌اند، درخت مشکلی که در آن مشکل خسارت گاو را ریشه‌یابی کرده‌اند و برنامه‌ریزی‌هایی که برای کاهش خسارت انجام داده‌اند. همه این کاغذها نشان‌دهنده توانایی مردم برای بررسی

شما طرفدار پلنگ هستید یا دامدار؟

جمله را از زبان برخی اهالی روستا شنیده‌ایم که «گاو و پلنگ هر دو بخشی از این طبیعت هستند و هر دو حق حیات دارند. نه کسی باید از ورود گاو به جنگل جلوگیری کند و نه کسی باید پلنگ را از بین ببرد». به همین خاطر وقتی از ما سوال می‌شود شما طرفدار پلنگ هستید یا دامدار، زبان و فکرمات به دنبال جوابی می‌گردد تا نشان دهنده چیزی باشد که واقعا به آن اعتقاد داریم.

ما می‌دانیم که در حال حاضر به خاطر حمله پلنگ به گاو، دامداران دل خوشی از حضور پلنگ ندارند و پلنگ به نوعی دشمن مال آنها به حساب می‌آید. در این شرایط برای دامداران سخت است که طرفدار پلنگ باشند. از طرف دیگر طرفداران طبیعت هم نگران حضور انسان در قلمروی زندگی پلنگ هستند. شاید برای آنها هم سخت باشد که طرفدار دامداران باشند. اما همان‌طور که هر خسارتی راهی برای پیشگیری و جبران دارد می‌توان به دنبال راه‌حلی بود که درگیری بین دامدار و پلنگ کم شود. تا شاید روزی همانند گفته مردم در جلسات برنامه‌ریزی تغییری اتفاق بیفتد که «هم گاو آسیب نبیند و هم پلنگ حفظ شود».

رسیدن به این تغییر کمک خواهد کرد که روزی پاسخ به این سوال سخت نباشد و هم دامداران و هم علاقه‌مندان طبیعت جواب مشترکی برای این سوال داشته باشند.

به علت علاقه‌مندی گروه ما به طبیعت و حیات وحش این سوال از طرف برخی از اهالی مطرح می‌شود که شما طرفدار پلنگ هستید یا دامدار؟ اگر شما طرفدار دامدار هستید چرا اسم شما انجمن یوزپلنگ ایرانی است و نام شما انجمن حمایت از دامداران نیست؟

سوال‌هایی شبیه به این‌ها را نه تنها اهالی روستا بلکه دوستان ما در تهران و حتی مسئولین اداره محیط‌زیست هم از ما پرسیده‌اند. درباره فایده گاو و پلنگ که هر دو مخلوق خدا هستند نظرات فراوانی وجود دارد. اگر پای صحبت‌های کسی که حتی یک راس گاو دارد بنشینیم سخنان زیادی درباره فواید و تاثیر گاو بر زندگی مردم خواهد گفت. با شنیدن این صحبت‌ها به این نتیجه می‌رسیم که اگر گاو نباشد زندگی دامداران چقدر سخت خواهد شد و اثر بدی بر روی زندگی همه خواهد داشت. اگر هم پای صحبت کسی که دوستدار و علاقه‌مند به پلنگ است بنشینیم ساعت‌ها درباره اهمیت حضور پلنگ در طبیعت سخن خواهد گفت. با این صحبت‌ها متوجه می‌شویم که اگر پلنگ نباشد طبیعت یکی از جانداران مهمش را از دست خواهد داد و همه ما از این اتفاق ضرر خواهیم کرد.

با شنیدن این صحبت‌ها نمی‌توان فقط طرفدار یکی از این جانداران بود. کسی که بخواهد منصفانه به این سوال فکر کند، جواب دادن به آن و طرف یکی از آنها بودن برایش سخت خواهد شد. بارها این

